

نمودهای اجتماعی اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در انگلستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۲۳

علی صباغیان^۱*

علی محمد خاکسار^۲

چکیده

در دو دهه گذشته در بسیاری از کشورهای اروپایی، نوعی تمایز حقوقی و سیاسی را میان شهروندان این کشورها مشاهده می‌کنیم؛ این دوگانه‌انگاری، تحت تأثیر عواملی مانند حادثه ۱۱ سپتامبر و برخی انفجارها در شهرهای اروپایی، بیشتر متوجه شهروندان مسلمان این کشورها شده است. ایجاد تمایز میان شهروندان مسلمان و غیرمسلمان در کشورهای اروپایی، مانند انگلستان در سال‌های اخیر به اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی منجر شده است. این پژوهش، در صدد پاسخگویی به این پرسش اساسی است که «چه عواملی موجب ظهور اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در انگلستان شده و ظهور و نمودهای این پدیده به چه صورت بوده است؟» یافته‌های کلی پژوهش نشان می‌دهند که عواملی هویتی، نقشی مهم در ایجاد دوگانگی، غیرت‌سازی و اسلام‌هراسی در بریتانیا ایفا کرده‌اند. در پژوهش پیش رو از نظریه هویت شهروندی استفاده شده است؛ این نظریه به بررسی و شرح وظایف و حقوق شهروندان در برابر یکدیگر و در برابر دولت می‌پردازد. هر شهروند همان‌طور که دارای وظایفی هست، دارای حقوقی، از طرف دولت و دیگر شهروندان نیز هست؛ اگر این حقوق و وظایف رعایت‌نشوند، هویت شهروندی هر شهروند در جامعه، خدشه‌دار می‌شود. در این پژوهش، میان انواع مخالفت با اسلام، تفکیک صورت گرفته است؛ همچنین نمودهای اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در انگلستان به سه سطح تقسیم شده است: در سطح فضای عمومی جامعه، به صورت خشونت کلامی و فیزیکی؛ سطح رسانه‌ها به صورت تصویرسازی منفی و سطح دولت به شکل تبعیض در حقوق شهروندی و خدمات. مقاله پیش رو به روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است. داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای-اسنادی گردآوری و سپس، توصیف و تحلیل شده‌اند؛ در همین راستا از نتایج یک پژوهش پیمایش پرسش‌نامه‌ای، مربوط به سال ۲۰۱۲، بهره‌گیری شده است.

واژگان کلیدی: اسلام‌هراسی، اسلام‌ستیزی، انگلستان، افراطی‌گری، رسانه‌ها.

* ۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(نویسنده مسئول: sabbaghian@ut.ac.ir)

۲. دانش‌آموخته رشته مطالعات اروپای دانشگاه تهران

مقدمه

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای اروپایی برای بازسازی خود، به نیروی کار سایر کشورهای جهان، نیازمند بودند؛ در این راستا طی چند دهه پس از جنگ، تعداد زیادی کارگر از کشورهای آفریقایی و آسیایی به‌ویژه از جوامع اسلامی، رهسپار اروپا شدند؛ دولت‌های اروپایی با فرض اینکه حضور آنها موقتی است، به‌نوعی سعی می‌کردند با تفاوت‌های فرهنگی آنها کنار بیایند؛ با گذشت چند دهه از ورود این مهاجران در کشورهای اروپایی، اقلیت‌های قومی و مذهبی از جمله مسلمانان، به‌طور روزافزونی در پی به‌رسمیت‌شناختن و حمایت از متمایزگی خود بوده‌اند. افزایش جمعیت مسلمانان به همراه حادثه ۱۱ سپتامبر و حوادث تروریستی پس از آن، تمایزهای فرهنگی مسلمانان اروپا را به چالش هویتی تبدیل کرده‌است؛ در واکنش به این وضعیت، ابتدا با طرح موضوع اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی، اقدام‌های عملی زیادی صورت‌گرفت که برخی از آنها نیز حالت خشونت‌آمیز داشت (صباغیان، ۱۳۹۴: ۲)؛ این نمودها در سطوحی مختلف، همچون: سطح دولت مانند شرایط سخت استخدام (مرشدی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۶۰)، تبعیض در دادرسی (حسینی فایق، ۱۳۹۱: ۱۵۴ و ۱۵۵) و در سطح فضای عمومی جامعه، مانند طرد جوانان و نوجوانان مسلمانان از جمع گروه‌های دوستان و همسالان (مرشدی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۵۵)^۱، سطح رسانه مانند ساخت فیلم‌هایی نظیر فیلم موهن «معصومیت مسلمانان» که شخصیت پیامبر گرامی اسلام، شخصیتی خشن و مسلمانان در آن، انسان‌هایی وحشی نمایش داده می‌شوند قابل‌اشاره‌اند (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳: ۳۹۲). حدود چند دهه است که بحث مهاجرت به اروپا و موضوع‌های مرتبط با آن، از زمینه‌های تضاد میان مسلمانان غیراروپایی با مردم بومی و غیرمسلمان اروپا شده‌است. هویت شهروندی به‌نوعی مرز خودی و غیرخودی را مشخص و روشن می‌کند؛ اهمیت این بررسی در این است که انگلستان، دارای یکی از بزرگ‌ترین اقلیت‌های مسلمان در میان کشورهای اروپاست. در سال ۲۰۱۳ دفتر ملی آمار بریتانیا، تعداد مسلمانان را حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر تخمین زده‌است (blogs.nottingham.ac.uk)؛ در چنین وضعیتی، این پرسش، مطرح می‌شود که «چرا استقبال اولیه از مسلمانان و همزیستی گذشته آنها

۱. در آوریل ۲۰۰۴ پلینس، ده نفر را درخصوص بمب‌گذاری انتحاری و حمله تروریستی به استادیوم باشگاه فوتبال منچستر یونایتد دستگیر کرد؛ پس از ده روز، همه دستگیرشدگان، آزاد شدند؛ بعدها این افراد، طی مصاحبه‌ای گفتند که تمام دوستان خود را ازدست‌دادیم و کسی باور نمی‌کند ما تروریست نیستیم.

در جامعه انگلستان به وضعیت خصومت‌آمیز و خشونت‌بار تغییر کرده‌است؟؛ نمودها و اشکال منازعه میان شهروندان انگلستان و مسلمانان در این کشور به چه وضعی است؟ یا اینکه چرا مسلمانان با وجود سکونت طولانی مدت در انگلستان، هنوز خودی تلقی نمی‌شوند؟ چرا حقوق شهروندی آنها به طور کامل رعایت نمی‌شود؟».

این مقاله با این فرض که «۱۱ سپتامبر و حوادثی مانند آن، در ایجاد نوعی تضاد هویتی میان مسلمانان با دیگر شهروندان و تحول اسلام‌هراسی به اسلام‌ستیزی و در واقع، رفتن به سمت خشونت بیشتر ضد شهروندان مسلمانان مؤثر بوده‌است»، به بررسی این موضوع پرداخته‌است؛ این خشونت‌ها در واقع به شیوه‌های مختلف ضد مسلمانان اعمال می‌شوند و آنها را به بیگانگان و غیرخودی تلقی شدن در جامعه انگلستان سوق می‌دهند. طبیعی است، هنگامی که گروهی از جامعه شهروند محسوب‌نشوند، حقوق شهروندی آنها توسط دولت و دیگر شهروندان، محترم شمرده نخواهد شد؛ برای بررسی این موضوع، این مقاله ابتدا چارچوب نظری موردنظر برای تبیین موضع را بررسی و سپس در قسمت‌های بعدی، ضمن بررسی علل و نمودهای اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی، سطوح مربوط به هریک از این وضعیت‌ها را تجزیه و تحلیل خواهد کرد.

الف- مبانی نظری

در این مقاله برای تبیین نمودهای اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در انگلستان، شباهت‌ها و تفاوت‌ها، زمینه‌ها و سطوح هریک و تأثیر آنها بر وضعیت شهروندی مسلمانان در انگلستان، از نظریه هویت شهروندی بهره گرفته شده‌است. درخصوص تاریخچه این نظریه باید گفت که یکی از اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین صاحب‌نظرانی که درباره پدیده «شهروندی»^۱، بسیار تأمل داشته، تی.اچ. مارشال^۲ است که معتقد بود، شهروندی، در رژیم‌های مردم‌سالار و با گذشت زمان رشد می‌یابد و سرانجام، سه بُعد مشخص پیدامی‌کند که عبارت‌اند از: بعد مدنی، بعد سیاسی و بعد اجتماعی؛ مارشال، این فرایند را تکاملی می‌دانست (De la Paz, n.d:1-5).

نجاتی و منوچهری در مقاله خود با عنوان «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت‌وگویی در فلسفه سیاسی هابرماس» آورده‌اند که در فلسفه‌های سیاسی ماکیاوول، هابز، روسو، کانت، هگل، میل، توکویل و مارکس، گابریل دولیز، ترنر و شلتون، رگه‌های تئوریک اولیه از مفهوم شهروندی ارائه شده‌است؛

1 . Citizenship
2 . T.H.Mashal

در این باره هاتچینگ (۱۹۹۹) با استناد به تحلیل‌های آندره (۱۹۹۱)، واتز میلر (۱۹۹۲)، میلیگان (۱۹۹۲)، ترنر (۱۹۹۳)، واناشربرگن (۱۹۹۴)، بنت (۲۰۰۸) و کیمیلکا (۱۹۹۵)، محوریت این طرح‌ها را پرورانده و منظم ساخته است (نجاتی و منوچهری، ۱۳۸۵: ۶).

در نظریه فعلی، بحث اصلی این است که «هویت شهروندی چیست؟»؛ گابریل دولیزر، معتقد است که هویت شهروندی، آن چیزی است که یک دولت می‌تواند بر آن تکیه کند؛ در واقع، احساس تعلق است که این شهروندان به یک رشته هنجارها و قوانین دارند (<http://blogs.nottingham.ac.uk>). هویت شهروندی، مفهومی است که میان خود و دیگری تمایز ایجاد می‌کند. هویت شهروندی را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد: در مرحله اول، هنگامی که فرد، یک‌سری ویژگی‌های خاص داشته باشد و وظایفی خاص را انجام دهد، شهروند و خودی تلقی می‌شود؛ در این هنگام، مرحله بعدی که نتیجه مرحله نخست است، حاصل می‌شود؛ در این مرحله، شهروند، دارای حقوقی می‌شود که حقوق شهروندی نام دارند؛ در مجموع، دولیزر اعتقاد دارد «شهروند، کسی است که دارای یک‌سری حقوق و وظایف باشد»؛ وی هویت شهروندی را رابطه‌ای میان افراد با هم و با دولت می‌داند و در واقع، مفهوم شهروندی، میان افراد و دولت نمایندگی می‌کند و حقوق و وظایف افراد، مقابل دولت و افراد، مقابل یکدیگر را تعیین می‌کند. یکی از مسائل مهم هویت شهروندی، این است که حقوق و وظایف، دوطرفه است و هیچ حق و تکلیفی یک‌طرفه و یک‌جانبه نیست (De la Paz, n.d: 1-5).

بنت که بیشتر تمرکز خود را بر تدوین چارچوبی برای هویت شهروندی گذاشته است، اصولی را بیان می‌کند که اگر فرد دارا باشد، می‌تواند هویت شهروندی را کسب کند و در واقع، شهروند تلقی شود؛ وی معتقد است، شهروندی که وظایفی را انجام دهد و قانون را رعایت کند، شهروند وظیفه‌شناس است (در اینجا هویت شهروندی را کسب می‌کند) ولی این شهروند می‌تواند از طریق فعالیت‌های زیر به شهروند فعال تبدیل شود که دولت نیز در برابر وی وظایفی دارد که به‌عنوان حقوق شهروندی از آنها یاد می‌شود؛ این فعالیت‌ها عبارت‌اند از:

- ۱- به شرکت در فعالیت‌های دولت‌محور، متعهد است.
- ۲- به اینکه رأی‌دادن، عملی دموکراتیک و معلول آگاهی و ارتباط با دولت است، باور دارد.
- ۳- در خصوص دولت و مسائل مرتبط با آن از طریق اخبار رسانه‌های جمعی اطلاع کسب کند.
- ۴- به ارگان‌های جامعه مدنی، ملحق می‌شود و به احزاب و گروه‌های هدفمند که اغلب از طریق راه‌های مرسوم، ارتباطی یک‌طرفه برقراری کنند تا حامیان را بسیج کنند، حمایت خود را نشان می‌دهد.

۵- به اهداف سازمان‌دهی شده حکومت و داشتن اهداف خودجوش، شخصی و خصوصی، کمترین تعلق را نشان می‌دهد.

۶- می‌پذیرد که رأی‌دادن در مقایسه با کنش‌های دیگر، مانند مصرف‌گرایی، فعالیت‌های داوطلبانه گروهی یا کنش‌های فراملی، کمتر اهمیت دارد.

۷- به رسانه‌های سیاسیون و ارتقای رسانه‌های مشارکتی، بی‌اعتماد است.

۸- به شبکه‌های اجتماعی که کمتر محدودکننده و محصورکننده هستند علاقه دارد؛ یعنی اجتماع‌هایی که از طریق روابط دوستی و پیوندهای سست اجتماعی ادامه حیات می‌یابند و از فناوری‌های تبادل اطلاعات دوسویه استفاده می‌کنند (Bennet, 2008: 3-4).

وقتی شهروندان، فعالیت‌های بالا را انجام دهند، به یک‌سری حقوق که حقوق شهروندی نامیده می‌شود، دست می‌یابند؛ گابریل دولیز، این حقوق را در سه دسته در جدول زیر دسته‌بندی کرده و آنها را شامل سه نوع حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی می‌داند.

جدول ۱: تقسیم‌بندی اصول شهروندی بر حسب حقوق شهروندی از دیدگاه دولیز

اصول شهروندی	تعریف	نهادهای مرتبط
حقوق مدنی	حقوق لازم برای آزادی فردی، اختیار شخصی، آزادی بیان، فکر و مذهب، حق مالکیت اموال انعقاد قراردادهای قانونی و حق انصراف	دادگاه قضایی
حقوق سیاسی	حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی، به‌عنوان فردی که به او اختیارات سیاسی تفویض شده یا به‌عنوان یک رأی‌دهنده به اعضای چنین هیئتی.	مجلس و شوراها
حقوق اجتماعی	حق داشتن اندکی رفاه اقتصادی و امنیتی	امکانات آموزشی و خدمات اجتماعی

منبع: (De la Paz, n.d: 1-2)

در جمع‌بندی مبحث بالا می‌توان گفت که اگر شخص به تکالیف شهروندی خود عمل کند و هویت شهروندی را از این طریق به‌دست‌آورد، آنگاه از سوی سایر شهروندان، فرد دارای هویت شهروندی و از سوی دولت، فرد دارای استحقاق حقوق شهروندی محسوب می‌شود و از امتیازهای شهروندی مانند حقوق سیاسی، حقوق مدنی و حقوق اجتماعی، بهره‌مند می‌شود ولی اگر این عناصر

را به‌طور کامل نداشته‌باشد، به‌اندازه فاصله او از این عناصر، فاصله‌اش از حقوق شهروندی و هویت شهروندی، بیشتر می‌شود؛ حتی از تمامی امتیازهای شهروندی، محروم می‌شود.

ب- زمینه‌های تفاوت هویتی مسلمانان مهاجر با شهروندان بومی انگلستان

هویت فردی افراد یا هویت جمعی گروه‌ها، ویژگی‌هایی منحصر به فرد دارد که آنها را با سایر افراد یا گروه‌ها متفاوت و متمایز می‌کند؛ این تمایز میان هویت‌های جمعی گروه‌های اجتماعی براساس عوامل و خصیصه‌های متفاوت ایجاد می‌شود. در موضوع مورد بحث مقاله، هنگام بررسی زمینه‌ها و عوامل تفاوت هویتی مسلمانان مهاجر با شهروندان بومی انگلستان، موارد زیر دیده می‌شود:

۱- آگاهی از شرایط شهروند بودن: آگاهی، مؤلفه‌ای بسیار مهم است که بر واکنش‌پذیری فرد تأثیر می‌گذارد (De la Paz, n. d:4-6). بسیاری از مسلمانان مهاجر، هنگامی که به جوامع اروپایی وارد می‌شوند، مدت‌ها طول می‌کشد که شرایط و ضوابط شهروندی در محیط جدید را درک کنند. دلفور و روکیچ نشان دادند، افرادی که متوجه می‌شوند، بعضی از عناصر هویتی آنها به‌گونه‌ای طبقه‌بندی شده‌است که با تصور آنها از خودشان در تناقض است، به احساس نارضایتی، دچار می‌شوند؛ همین احساس، فرایند تغییر هویت را به‌جریان می‌اندازد و به تغییر و تحول در نظام شخصیتی منجر می‌شود (صفوی و طباطبایی، ۱۳۹۱: ۲۹).

۲- خون و نژاد: طبق نظریه شهروندی، هم‌نژاد بودن اعضای یک هویت شهروندی در انسجام آنها حائز اهمیت است (Heywood, 1994:156)، مانند اینکه اروپاییان همگی متعلق به یک سرزمین هستند و همگی از نژاد سفیدند. اگرچه این‌گونه بحث‌ها جایگاه سده‌های گذشته را ندارند، هنوز مورد اهمیت‌اند. مسلمانان مهاجر که به اروپا سفر می‌کنند، افرادی هستند که از نظر خاک و نژاد با اروپاییان بیگانه‌اند و سنخیتی ندارند؛ به همین علت از این نظر با ضعف یکی از عناصر هویت شهروندی، روبه‌رو می‌شوند و شهروند محسوب نمی‌شوند.

۳- مذهب: امروزه چندین میلیون مسلمان در اروپا زندگی می‌کنند و اسلام به‌آهستگی، ولی بدون وقفه در حال تبدیل شدن به بخشی از چشم‌انداز اجتماعی، فرهنگی و تاحدی سیاسی اروپاست و اسلام پس از مسیحیت، دومین دین اروپا محسوب می‌شود. عناصر پیشین تضاد، به‌طور معمول، ایدئولوژیکی و جغرافیایی بودند؛ اما آن عواملی که اکنون اروپایی‌ها را نسبت به هم‌شهروندی‌های مسلمانان برانگیخته، بیشتر هویتی هستند که در وضعیت کنونی، موجب واکنش اروپاییان در قابل

آنان می‌شود (صدیقی، ۱۳۸۸: ۸ تا ۱۹).

۴- سکولاریسم: مذاهبی که به دخالت دین در قوانین مدنی اعتقاد دارند، به‌طور عمده نمی‌توانند نقشی سازنده در انسجام هویت شهروندی یکسان انسان‌هایی داشته‌باشند که به‌یقین، دارای افکار و چشم‌اندازهایی متفاوت هستند (Jones & gaveta, 2002: 19-25). سکولاریسم و جدایی دین از سیاست به‌عنوان محصول تجربیات اروپایی در دوران قرون وسطی، عنصر مهم دیگر سازنده هویت اروپایی است؛ این مؤلفه درخصوص مسلمانان با مباحث اسلام سیاسی و حضور دین در عرصه اجتماعی تضاد می‌یابد.

۵- عرف و زبان مشترک: مجموعه زبان، عادات رفتاری و ارزش‌های مشترک شهروندان در داشتن هویت یکسان شهروندی، مهم است؛ آنها هنگامی که مشاهده‌کنند، فردی به ارزش‌های مشترک ارجح نمی‌نهد و گاه، ارزش‌ها و عرف‌هایی دیگر را رعایت می‌کند، احتمال می‌رود که نتوانند وی را به‌عنوان شخص داری هویت شهروندی همسان با خود بپذیرند و در نتیجه، وی را دیگری تصور می‌کنند؛ این زبان مشترک باید از طریق نظام آموزش از ابتدا در میان محصلان ترویج داده‌شود (Banks, 2008: 1-3).

۶- لیبرالیسم: لیبرالیسم در فرهنگ و اقتصاد مردم اروپا جریان دارد. لیبرالیسم نیز در کنار سکولاریسم، باوری است که درگذر زمان در اروپا شکل گرفته‌است و یکی دیگر از پایه‌های هویت اروپایی را تشکیل می‌دهد (پورهاشمی، ۱۳۸۱: ۸ تا ۱۰). اقتصاد آزاد و فردگرایی از جمله نتایج آن در زندگی شهروندان اروپایی است؛ مهاجرانی که این اصل را نپذیرند و افکاری مبتنی بر اقتصاد متمرکز یا فرهنگی مبتنی بر طرخ‌های زندگی اشتراکی داشته‌باشند، نمی‌توانند در میان شهروندان اروپایی جزو خودی‌ها محسوب‌شوند و به‌احتمال، از جمع شهروندان اروپا طرد می‌شوند.

۷- اومانیسم: اومانیسم در تضاد با مبانی دینی در اسلام قرار دارد و از نظر مسلمانان قابل تطبیق با اسلام نیست. اومانیسم با نوعی پایه‌ریزی جامعه براساس خواست انسان‌ها و سرنوشت جمعی آنها مرتبط است: تعلق خاطر تعدادی از افراد به امور مشترک با اموری خاص؛ چنین تعلق‌ی موجب احساس همبستگی شکل‌گیری یک واحد جمعی می‌شود که با عنوان ما از ماهای دیگر جدا می‌شود (لقمان‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۸).

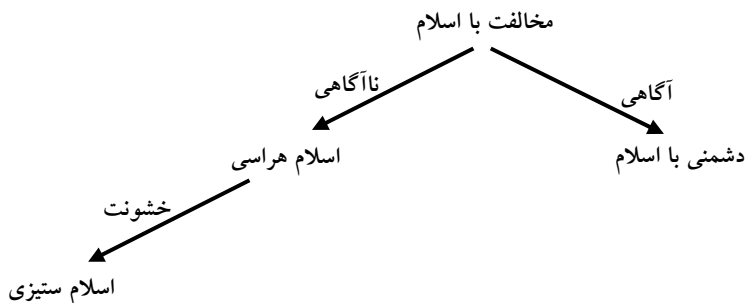
ج- نمودهای اسلام‌هراسی، اسلام‌ستیزی و دشمنی با اسلام؛ شباهت‌ها و تفاوت‌ها

رفتارهای خشونت‌آمیز و توهین‌کننده را نمی‌توان از نمودهای اسلام‌هراسی دانست و در واقع، اینها نمودهای اسلام‌ستیزی‌اند (Moghal, 2012:2-28)؛ حادثه ۱۱ سپتامبر و حوادث تروریستی لندن و مادرید و همچنین بروز بحران مالی اخیر در اروپا، در پیوند با هم، این طرح به‌ظاهر کنترل‌شده را از کنترل خارج کردند و ایجاد واکنشی بزرگ به نام اسلام‌ستیزی را سبب‌شدند؛ این واکنش در ادامه، موجب جداشدن اقلیت مسلمانان از اجتماع عمومی جامعه شد و هویت مقاومتی شکل گرفت.

دشمنی با اسلام را می‌توان از لحاظ ارادی و آگاهانه‌بودن ریشه‌ها و دلایل آن از اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی متمایز دانست؛ یعنی وقتی در سطح فرد یا در سطح کلان، یعنی یک دولت یا حزب عمده سیاسی، اسلام به‌مثابه مانعی بر سر راه رسیدن به منافع سیاسی و اقتصادی دیده‌شود، از آن به دلیل ضربه‌زدن به منافع خرد و کلان خود اظهارتفرمی‌کنند؛ حال باید به این نکته دقت‌شود که این دشمنی، مانند دشمنی مولد اسلام‌ستیزی نیست زیرا تفرمی که به اسلام‌ستیزی می‌انجامد، ناشی از هراس برآمده از تصور ناخودآگاه خطرناک‌بودن اندیشه‌های اسلامی و تروریست‌بودن مسلمانان است درحالی‌که تفرم ناشی از «دشمنی با اسلام»، برآمده از هیچ‌گونه هراس یا ترسی کاذب نیست؛ در واقع، نوعی جنگ است، فرایندی که با طرح و نقشه پیشین انجام می‌شود و در این پژوهش به دو نوع جنگ نرم و جنگ سخت تقسیم‌شده‌است؛ به‌عبارت‌دیگر، نمودهای اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی اگر با نیت و مغرضانه (و نه از روی هراس) باشند، می‌توانند درزمره نمودهای «دشمنی با اسلام» قرارگیرند؛ حال، این دشمنی با اسلام، در ظاهر می‌تواند همان مصادیق اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی باشد؛ برای نمونه اگر یک فیلم‌ساز، فیلمی که ضد مسلمانان می‌سازد، با اهداف از پیش طراحی‌شده برای تخریب چهره مسلمانان باشد، نمود دشمنی با اسلام تلقی می‌شود و به دلیل آنکه خشونت مستقیم در این عمل وجود ندارد (مانند خشونت فیزیکی) در نظریه جنگ نرم، قابل‌تحلیل است.

درحالی‌که تفرم ناشی از «دشمنی با اسلام»، برآمده از هیچ‌گونه ترس کاذب نیست؛ تمام اعمال یادشده در دو تعریف پیشین اگر با آگاهی و از روی غرض صورت‌گیرند، در زیرمجموعه دشمنی با اسلام دسته‌بندی می‌شوند (Moghal, 2012:1-5). در شکل زیر، نقش آگاهی در تقسیم‌بندی اشکال مخالفت با اسلام نشان‌داده‌شده‌است. مفهوم آگاهی، سبب تمایز میان اسلام‌هراسی و دشمنی با اسلام می‌شود؛ همچنین وجود خشونت، میان تعریف اسلام‌هراسی و تعریف اسلام‌ستیزی، تفاوت ایجاد می‌کند؛ در مجموع، ویژگی مشترک هر سه نمود از مخالفت با اسلام، این است که شهروند

اروپایی، هنگامی که مسلمانان را از خود بیگانه بدانند و غیرخودی تلقی کند، به اقدام‌هایی، ضد مسلمانان دست‌می‌زند.



شکل ۱: نقش آگاهی در تقسیم‌بندی اشکال مخالفت با اسلام

د- تحول نمودهای اسلام‌هراسی به اسلام‌ستیزی

۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، نقطه عطفی در تحولات بین‌المللی محسوب می‌شود و تلاش برای آغاز عصری جدید را به سردمداری ایالات متحده و همراهی اروپا رقم می‌زند؛ این حادثه ناگوار که علل و عوامل آن، هنوز مشخص نشده‌اند، به سبب عمق فاجعه و پوشش رسانه‌ای گسترده، موجب واکنشی ضد کلیت اسلام شد؛ با این اوصاف آیا می‌توان ۱۱ سپتامبر را به عنوان کاتالیزور اسلام‌هراسی یا اسلام‌ستیزی دانست؟ آیا این اتفاق، دارای تبعات بعدی نبود؟ و آیا این گونه اقدام‌های مسلمانان افراطی مؤثر بر خشونت اروپاییان به مهاجران مسلمانان نبوده‌است؟

اسلام‌ستیزی در واقع، حاصل تصور غلط پیشین شکل گرفته در مرحله اسلام‌هراسی است که در مرحله گذار به اسلام‌ستیزی، خود را به صورت عملی خشونت‌آمیز ناشی از هراس نشان می‌دهد؛ در توضیح این گذار از اسلام‌هراسی به اسلام‌ستیزی باید گفت که عواملی بسیار، نظیر عوامل زیر در این امر، به صورت اساسی نقش داشته‌اند:

- ۱- رشد جمعیت مسلمان کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر؛
- ۲- اقدام‌های گروه‌های افراطی و متعصب مسلمان؛
- ۳- بروز بحران مالی و تبعات آن، نظیر بیکاری فزاینده که به ایجاد جو مهاجرستیزی منجر شده‌است.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حوادث بعد از آن، نظیر بمب‌گذاری بالی^۱ در اکتبر سال ۲۰۰۲، بمب‌گذاری‌های ژوئیه ۲۰۰۵ در لندن^۲ و سایر حوادث تروریستی که در آنها مسلمانان، متهم شدند، این جمعیت به شدت در کشورهای اروپایی، تحت نظارت بی‌سابقه امنیتی، پلیسی و فشارهای سیاسی قرار گرفتند. در ژوئیه ۲۰۰۵، بمب‌گذاری‌های هماهنگ از سوی افراطیون مسلمان در سیستم حمل‌ونقل شهر لندن، به مرگ ۵۵ نفر و زخمی شدن ۷۷۰ نفر از شهروندان عادی انجامید؛ پس از این حادثه، موج حملات ضد مسلمانان در سراسر اروپا و به‌ویژه در انگلستان به شدت افزایش یافت (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۱۷ و ۱۱۸).

همچنین، کشانده شدن اروپا به سمت بحران مالی و پیامدهای آن از عوامل مؤثر بر شتاب تحول اسلام‌هراسی به اسلام‌ستیزی بوده‌است. بحران مالی اخیر در اروپا و افزایش بیکاری در میان جوانان اروپایی، موجب مقصد دانستن اقلیت‌ها و مهاجران این کشورها شده‌است؛ در این میان، مسلمانان مهاجر نیز در میان متهمان قرار گرفتند. گروه‌ها و احزاب راست افراطی، مخالفت‌هایی بسیار را ضد حضور اقلیت‌ها و به‌ویژه مسلمانان در این کشورها انجام دادند و گسترش و تعمیق فضای اسلام‌هراسی را در اروپا سبب شدند.

جدول ۲: مصادیق اسلام‌ستیزی در اروپا

دسته‌بندی نمودهای اسلام‌ستیزی	مصادیق رفتاری
خشونت کلامی و فیزیکی	حمله به مسلمانان و به‌ویژه زنان محجبه و حمله به مساجد مسلمانان
ارعاب	ترساندن مسلمانان در فضاهاى عمومی از آسیب فیزیکی و مالی
آسیب‌رسانی به اموال مسلمانان	آسیب‌زدن به وسایل مسلمانان در فضای مدرسه و خیابان‌ها

یکی از دلایل بالاتر بودن رشد جمعیت مسلمانان، نسبت به سایر اقشار در جامعه انگلستان، این است که به‌طور معمول، زنان مذهبی، بیشتر به فرزندآوردن تمایل دارند و این موضوع در میان زنان مسلمان، شدیدتر است (Wesdtoff, 2007: 784-808).

حتی این تصور هم برای اروپاییان، وحشتناک است که در آینده اروپا به دو ملت تقسیم شود:

۱. در این انفجار که در سواحل جزیره بالی رخ داد، دو توریست کشته شدند. سواحل بالی، مکانی خوش آب و هوا.
۲. انفجار چهار بمب در سیستم حمل و نقل لندن که موجب کشته شدن ۵۶ نفر شد و القاعده، مسئولیتش را به‌عهده گرفت (BBCNEWS.CO.UK).

۱- اروپاییان سکولار، ثروتمند، مسن و ضعیف و در حال کاستی

۲- مسلمانان مذهبی، جوان، فقیر، قدرتمند و روبه رشد

افزون‌براین، مسلمانان حدود ۲ تا ۶ درصد از جمعیت بیشتر کشورهای اروپایی را تشکیل می‌دهند و از این‌رو، بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی در اروپا هستند. حدود ۴۰ درصد زنان مسلمان اروپا دارای دو یا بیش از دو فرزند هستند؛ این روند سبب می‌شود، درصد جمعیت اقلیت مسلمان به کل جمعیت در کشورهای اروپایی، طی دهه‌های آینده افزایش یابد؛ برای نمونه، طبق پیش‌بینی‌ها تا سال ۲۰۵۰ در بریتانیا، حدود ۲۴ درصد جمعیت کشور را مسلمانان تشکیل خواهند داد (Westoff 2007: 784-808). جمعیت مسلمان بریتانیا، بیشترین رشد را داشته، جمعیت جوان به‌شمار می‌رود که ۶۰ درصد آنها زیر ۳۰ سال هستند؛ همچنین، میانگین سنی مسلمانان انگلیس، ۲۸ سال بوده که نسبت به جمعیت انگلیس، ۱۳ سال جوان‌ترند و نیز یک‌سوم جمعیت مسلمان، زیر ۱۶ سال بوده، همچنین افراد زیر ۱۸ سال، یک‌پنجم کل افراد زیر ۱۶ سال انگلیسی را تشکیل می‌دهند؛ در حال حاضر، بیشترین تراکم جمعیت مسلمانان در انگلیس در لندن، وست میدلز (بیرمنگام) و برادفورد قرار دارند. (صفوی، ۱۳۹۲: ۲۱ و ۲۰)

شهرهایی مهم که بیشترین تعداد مسلمانان را دارند، به‌ترتیب عبارت‌اند از:

- لندن^۱ ۶۰۷۰۰۰؛

- بیرمنگام^۲ ۱۴۰۰۰۰؛

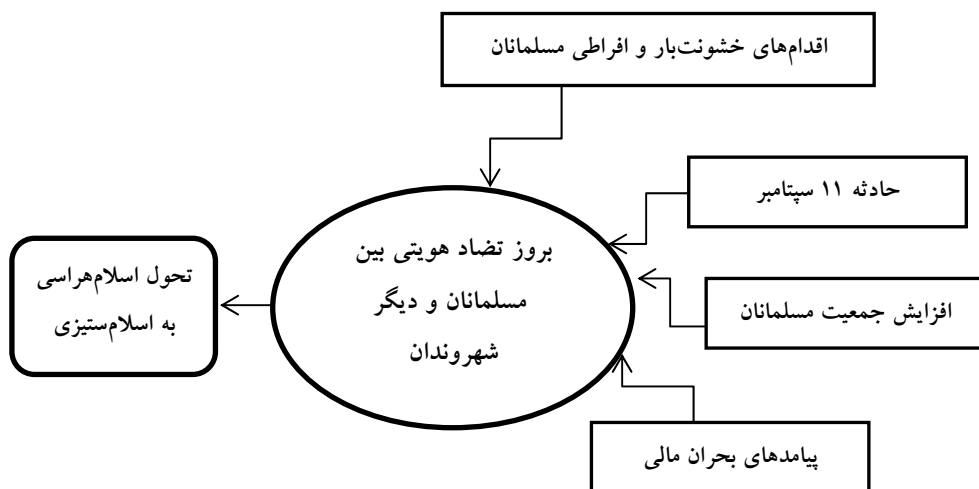
- منچستر^۳ ۱۲۵۰۰۰؛

- برادفورد^۴ ۷۵۰۰۰؛

- کرکلس^۵ ۳۹۰۰۰.

در شکل زیر، چگونگی تأثیر علل تحول اسلام‌هراسی به اسلام‌ستیزی نشان داده شده است؛ همان‌طور که مشاهده می‌شود، چهار دلیل در این تحول تأثیرگذارند که عبارت‌اند از: اقدام‌های خشونت‌بار و افراطی مسلمان، حادثه ۱۱ سپتامبر، افزایش جمعیت و پیامدهای بحران مالی.

.....
 1 . London
 2 . Birmingham
 3 . Manchester
 4 . Bradford
 5 . Kirklees



شکل ۲: چگونگی تأثیر علل تحول اسلام‌هراسی به اسلام‌ستیزی

ه- سطوح اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی

۱- سطح دولتی

همان‌طورکه از تعریف مفهوم دشمنی با اسلام در بخش پیشین برمی‌آید، نمودهای دشمنی با اسلام را می‌توان در سطح دولت‌ها و احزاب مشاهده کرد؛ این دو سطح، دارای آگاهی تصمیم‌ساز هستند پس نمی‌توان اقدام‌های آنها را جزو نمودهای اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی شمرد. بخش دولتی، خود دارای زیرمجموعه‌هایی گوناگون است که در آنها می‌توان نوعی از دشمنی با اسلام را دید.

همان‌گونه‌که عیان است در سال‌های پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، احساسات ضداسلامی و خشونت ضد مسلمانان در اروپا رشدی زیاد داشته‌است. نقض حقوق مسلمانان در اروپا، هم در قالب رسمی (بدرفتاری پلیس) و هم غیررسمی (حملات گروه‌های راست افراطی) مشاهده می‌شود. ازجمله زمینه‌های دشمنی با اسلام در سطح دولت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۱- تبعیض در دادرسی: تبعیض در سطوح مختلف دولتی ازجمله تبعیض در دادرسی، بیشتر به شکلی مثابه «تحریم»^۱ بروز می‌کند؛ درواقع، شهروندان مسلمان از امتیازهایی که شهروندان دیگر بهره‌مندند، به‌نوعی، مستثنی واقع می‌شوند (lambert & Mazer, 2011: 135).

1 . Sanction

۱-۲- تبعیض در گرفتن شغل: برای نمونه، براساس مطالعات انجام‌شده در انگلستان، افراد دارای نام‌های اسلامی در مقایسه با افراد دارای نام‌های فرانسوی و با قابلیت‌های مشابه، برای استخدام در یک شغل، سه برابر کمتر، پاسخ مثبت می‌شنوند (شیرغلامی، ۱۳۸۸: ۴۰۶).

۱-۳- غضب و آسیب‌رسانی به اموال و سرزمین مسلمانان: مانند حمله به افغانستان به همراه ایالات متحده یا دادن کمک‌های مشخص و محدود به مسلمانان که به اعتقاد عده‌ای برای کنترل و محدود کردن آنهاست (Lambert & Mazer, 2011: 137).

۱-۴- قوانین تبعیض‌آمیز و سخت‌گیرانه: مانند قانونی که در سال ۲۰۰۴ برای افزایش دستگیری مظنونان به تروریسم تصویب شد (مرشدی‌زاده، ۱۳۸۸: ۲۵۰ تا ۲۵۵)؛ البته تحول در سیاست‌ها به شکل کنونی، نه تنها فایده‌ای مهم دربر نداشته بلکه سیاست‌های کلان اجرایی درخصوص مسلمانان، عده‌ای از آنها را انتقام‌جو کرده‌است (Yurdakul & Korteweg, 2013: 204).

۱-۵- اقدام‌های پلیس و نیروهای امنیتی: در سال‌های اخیر، به‌دنبال تصویب قوانین مختلف در جهت مبارزه با تروریسم، سخت‌گیری نیروهای امنیتی درخصوص مسلمانان افزایش یافته‌است؛ در برخورد نیروهای امنیتی برای جستجوی افراد مظنون به اعمال تروریستی، اغلب مسلمانان مورد اتهام قرار می‌گیرند و این موجب دستگیری‌های گسترده در میان مسلمانان می‌شود؛ درحالی‌که اغلب پس از بازپرسی، مشخص می‌شود که بیشتر افراد دستگیرشده، بی‌گناه بوده و به‌اشتباه در مظان اتهام قرار گرفته‌اند؛ علاوه‌بر تعداد دستگیری‌ها، مدت زمان دستگیری افراد نیز افزایش داشته‌است. مدت بازداشت بدون مدرک از ۱۴ روز به ۲۸ روز افزایش یافته و این موجب اختلال در زندگی روزمره شهروندان مسلمان شده‌است (حسینی فایق، ۱۳۹۱: ۱۵۵ تا ۱۵۹).

۲- سطح گروه‌ها و احزاب

یکی دیگر از سطوح دشمنی با اسلام، سطح گروه‌ها و احزاب است. درخصوص احزاب می‌توان به حزب ملی بریتانیا اشاره کرد. احزاب و گروه‌های ضداسلامی، با آگاهی از انگیزه و نتیجه اعمال خود و اغلب با اهداف سیاسی و جذب رأی به دشمنی با اسلام می‌پردازند و مصداق جنگ نرم و جنگ سخت را می‌توان در اقدام‌های آنها مشاهده کرد؛ رفتارهایی مانند تخریب چهره مسلمانان، تأکید بر تفاوت‌های مسلمانان با دیگر شهروندان انگلستان و تأکید بر سخت‌گیری در قوانین مهاجرت از جمله فعالیت‌های آنهاست؛ در این سطح، اقدام‌هایی خشونت‌بار را ضد مسلمانان، شاهدیم؛ این

احزاب چه اقدام‌هایی ضد مسلمانان انجام داده‌اند؟ اقدام‌های اسلام‌ستیزانه، بیشتر متوجه چه امور حائز اهمیتی برای مسلمانان است؟

در موردی دیگر (متناسب با مفهوم جنگ سخت) می‌توان به برپایی تجمع‌ها ضد ساخت مسجد اشاره کرد؛ برای نمونه در تاریخ ۲۱ ژوئن ۲۰۱۴، حدود پنجاه معترض از جمله اعضای حزب ملی انگلستان^۱ و ساکنان محلی در بلکیرن رود، جنب مکان پیشنهادی برای ساخت ساختمان جدید مسجد طیبه جمع شدند (Pitt, 2014, June 21).

۳ - سطح فضای عمومی و فردی جامعه

همان‌طور که تشریح شد، نمودهای اسلام‌ستیزی مانند برخوردهای فیزیکی، توهین لفظی و آسیب‌رسانی مالی به مسلمانان، بیشتر در سطح فضای عمومی جامعه و در محیط‌هایی مانند خیابان‌ها، پارک‌ها، فروشگاه‌ها و امثال آنها روی می‌دهد که تا حدودی دور از چشم پلیس باشند.

در پژوهشی که در سال ۲۰۱۲ در خصوص مسلمانان اروپا انجام شده است، تعارض رفتاری به‌عنوان یکی از معرف‌های و آگرایی بررسی شده. «تعارض رفتاری»، رفتارهای خشن و غیرطبیعی شهروندان غیرمسلمان با شهروندان مسلمان (اعم از بومی و مهاجر) تعریف شد. این پژوهش با روش پیمایشی با پرسش‌نامه، نظریات ۱۲۰۰ نفر از شهروندان مسلمان را در سه شهر لندن، پاریس و بروکسل ارزیابی کرد؛ یافته‌های پژوهش یاد شده نشان می‌دهند که از نگاه ۲۹/۶ درصد از پاسخگویان، تعارض رفتاری اروپاییان با مسلمانان در حد کم و خیلی کم است و ۲۸/۵ درصد پاسخگویان، این تعارض رفتاری را در حد متوسط و ۲۶/۱ درصد نیز تعارض رفتاری اروپاییان با مسلمانان را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۸۵)؛ از آمارهای بالا می‌توان دریافت، بیش از یک‌دوم نمونه مورد بررسی، تعارض رفتاری غیرمسلمانان را با خود در سطح متوسط، زیاد و خیلی زیاد می‌دانند.

۴- سطح رسانه‌ها (رسانه‌های تصویری)

در خصوص ارتباط رسانه‌ها و اسلام‌هراسی باید گفت، به دلیل نمایش صحنه‌هایی که در آنها مسلمانان خشن جلوه داده می‌شوند و مخاطب به اجتناب از آنان تشویق می‌شود؛ این سطح در حوزه اسلام‌هراسی، واقع است؛ البته این امر، مشروط است؛ یعنی اگر برنامه‌ای با نقشه‌ها و مقاصد سیاسی

1 . BNP

ساخته‌شود و کارگردان و فیلم‌ساز، غیرمتمدن نشان‌دادن مسلمانان را از روی عادت و عرف سینمای غرب انجام‌دهند و به‌نوعی، نیات از پیش طراحی‌شده در میان باشد، آنگاه از نمودهای دشمنی با اسلام محسوب‌می‌شود.

جدول ۳: دیدگاه پاسخگویان نسبت به تعارض رفتاری اروپاییان با مسلمانان

درصد تراکمی	درصد معتبر	درصد	فراوانی	
۷/۹	۷/۹	۶/۶	۵۱	خیلی کم
۳۵/۲	۲۷/۴	۲۳/۰	۱۷۷	کم
۶۹/۱	۳۳/۸	۲۸/۵	۲۱۹	متوسط
۸۷/۳	۱۸/۲	۱۵/۴	۱۱۸	زیاد
۱۰۰/۰	۱۲/۷	۱۰/۷	۸۲	خیلی زیاد
—	۱۰۰/۰	۸۴/۲	۶۴۷	جمع
—	—	۱۵/۸	۱۲۱	بدون پاسخ
—	—	۱۰۰/۰	۷۶۸	جمع کل

منبع: (صفوی، ۱۳۹۲: ۱۸۵)

در جدول زیر، فهرست فیلم‌هایی که ضد اسلام و شخصیت پیامبر اسلام ساخته‌شده‌اند، آورده‌شده‌است و می‌توان سهم تولیدهای انگلستان را در آنها مشاهده‌کرد؛ در این جدول مشاهده‌می‌شود که حجم تولیدهای سینمایی انگلیسی ضداسلامی (که از نمودهای اسلام‌هراسی محسوب‌می‌شود) در سال‌های اخیر، به‌طوری چشمگیر افزایش یافته‌است؛ در واقع، بسیاری از غیرمسلمانان و حتی گاهی مسلمانان با دیدن فیلم ضداسلامی، درست متوجه نمی‌شوند که هدف واقعی سازنده چیست.

جدول ۵ سطوح اسلام‌هراسی، اسلام‌ستیزی و دشمنی با اسلام را نشان‌می‌دهد که از لحاظ مفهومی تفکیک‌شده‌است؛ در این تقسیم‌بندی، اسلام‌هراسی یا هراس‌افکنی از اسلام در سطح رسانه‌ها بیشتر نمود دارد؛ این طیف از نمودهای مخالفت با اسلام در زمینه‌های مختلف مانند سینما، تلویزیون و مطبوعات، خود را نمایان‌می‌سازند.

جدول ۴: فهرست فیلم‌های ساخته‌شده ضداسلام و پیامبر اسلام و مسلمان توسط انگلستان و آمریکا^۱

کشور سازنده	عنوان	شرکت سازنده	تاریخ
USA 	Muhammad: The Last Prophet (movies. nytimes. com) (محمد: آخرین پیامبر)	Fine Media Group	14, 2004
USA 	Muhammad: Legacy of a Prophet (web. archive. org) (محمد: وارث یک پیامبر)	PBS	December 17, 2002
UK 	Muhammad: Biography (www. historychannelasia. com) (زندگینامه محمد)	History Channel	Unknown
USA 	Islam: Empire of Faith (Amazon. co. uk) & (Hollywood. com) (اسلام: امپراتور ایمان)	PBS	2000 March 5, 2005
USA 	Story of Islam (www. amazon. com) (داستان اسلام)	Mpi Home Video	March 12, 2002
Turkey 	Understanding Islam - The Signs Of The Last Day (dvd. ciao. co. uk) (درک اسلام: نشانه آخرالزمان)	Quantum Leaps; EDS	September 25, 2006
UK 	An Islamic History of Europe (www. bbc. co. uk) (تاریخ اسلام در اروپا)	BBC (BBC Four)	2005
UK 	A Muslim In The Family (news. bbc. co. uk) (یک مسلمان در خانواده)	BBC	May 2, 2004
UK 	The Smell of Paradise (www. imdb. com) (بوی بهشت)	BBC	Unknown
UK 	Why Did We Choose Islam - The Enlightenment (www. amazon. co. uk) (مسئله مهم: چرا ما اسلام را انتخاب می‌کنیم)	Unknown	Unknown
USA 	Inside Mecca (www. amazon. co. uk) (داخل مکه)	National Geographic	October 21, 2004

۱. مرجع هر فیلم در ستون عنوان آمده‌است.

کشور سازنده	عنوان	شرکت سازنده	تاریخ
UK 	Me and the Mosque (www. imdb. com) (من و مسجد)	BBC	Unknown
USA 	the PastSecrets of the Koran (www. imdb. com) (رازهای قدیمی قرآن)	Towers Productions	March 2, 2006
UK 	Muhammad: A Mercy to Mankind (Amazon. co. uk) (محمد: رحمت بشریت)	Unknown	Unknown
UK 	The Life of Muhammad (www. bbc. co. uk) (زندگی‌نامه محمد)	(BBC)	July 18, 2011

جدول ۵: توصیف نمودهای مخالفت با اسلام و تفکیک آنها از یکدیگر

سطح	نوع مخالفت با اسلام	نمود رفتاری
دولت	دشمنی با اسلام	۱- تصویب قوانین ضد مسلمانان ۲- شرکت در اقدام‌هایی ضد مسلمانان، مانند جنگ عراق ۳- ایجاد فرقه‌های ضد مسلمانان، مانند داعش در دوران کنونی
	اسلام‌ستیزی	۱- اعمال خشونت فیزیکی و لفظی توسط پلیس و مأموران امنیتی ۲- توهین لفظی و اهانت و ارباب توسط مقام‌های حکومتی و سران دولت
	اسلام‌هراسی	در سطح دولت، اسلام‌هراسی به دلیل وجود آگاهی دولت بر اعمال خود (برخلاف عامه مردم) پذیرفتنی نیست؛ به‌استثنای مأموران ناآگاه پلیس
رسانه	دشمنی با اسلام	۱- فیلم‌هایی با نیت و آگاهی ساخته‌شوند ۲- بخش اخبار و کاریکاتور اخبار، مقالات و هر مقوله رسانه‌ای که با نیت ساخته‌می‌شود (فراوانی این موارد نسبت به مورد پیشین، بیشتر است و مجریان آن، دارای آگاهی بیشتری هستند)
	اسلام‌ستیزی	بیشتر نمودهای اسلام‌ستیزانه در رسانه‌های انگلستان در فیلم‌ها (صحنه‌های توهین و میزگردهای تلویزیونی پیرامون بحث مهاجرت و مبارزه با تروریسم) دیده‌می‌شود.
	اسلام‌هراسی	بیشتر نمودهای اسلام‌هراسی در فیلم‌ها با وحشتناک جلوه‌دادن مسلمان، نمایان است.

ادامه جدول ۵: توصیف نمودهای مخالفت با اسلام و تفکیک آنها از یکدیگر

سطح	نوع مخالفت با اسلام	نمود رفتاری
احزاب و گروه‌های اسلام‌ستیزی	دشمنی با اسلام	تلاش برای جلوه‌دادن مسلمانان به‌عنوان تهدید امنیتی و به‌دست آوردن آرا و توجه افکار عمومی از این طریق
	اسلام‌هراسی	با توجه به اقدام‌های این گروه‌ها به‌نظر نمی‌رسد که اقدام‌های آنها در حوزه اسلام‌هراسی قرارگیرد زیرا ناشی از خودآگاهی است (به‌جز تبعات ناشی از حمله تروریستی در لندن توسط اسلام‌گرایان افراطی)
	اسلام‌ستیزی	تمام اقدام‌های این گروه‌ها به‌جز انتشار کتابچه و بخش تصاویر مستند پس از بمب‌گذاری لندن در حوزه دشمنی با اسلام است نه اسلام‌ستیزی
فضای عمومی جامعه	دشمنی با اسلام	اگر رفتارهای ضد مسلمان توسط فردی با آگاهی بوده، به دلیل منافع شخصی باشد که اغلب این‌طور نیست.
	اسلام‌ستیزی	توهین، دشنام و خشونت لفظی، ارباب (تهدید به برخورد فیزیکی یا غضب اموال)، ضرب‌وشتم، غضب و آسیب‌رسانی به اموال توسط مردم عادی در فضای عمومی جامعه
	اسلام‌هراسی	طرد و اجتناب مسلمانان، اخراج از جمع همکلاسی‌ها، دوستان و هم‌سالان

نمودهای اسلام‌ستیزی در انگلستان در سطح فضای عمومی جامعه، بیشتر دیده می‌شود؛ مصادیق آن در جامعه مانند حملات به مساجد و برخوردهای فیزیکی و لفظی با زنان محجبه در محیط‌های مختلف مانند محیط کار، مدارس، پارک‌ها و خیابان‌هاست. شرط قرارگرفتن اقدامی در طیف نمودهای اسلام‌ستیزی، وجود خشونت و فقدان آگاهی است. دشمنی با اسلام به‌صورت عیان و مخرب‌تر در سطح دولت است که دیده می‌شود. یکی از نمودهای دشمنی با اسلام که در بعد خارجی، ظاهر می‌شود، همکاری دولت انگلیس در جریان‌های خشونت‌باری است که موجب غضب و آسیب‌رسانی به سرزمین و اموال مسلمانان می‌شود؛ ازجمله این اقدام‌ها همراهی دولت انگلستان با ایالات متحده برای لشکرکشی به عراق و چشم‌پوشیدن بر اعمال و تحرک‌های گروه تروریستی داعش در عراق است.

نتیجه‌گیری

در مجموع، می‌توان گفت که نمودهای اسلام‌ستیزی در انگلستان که دارای عنصر خشونت هستند و

نمونه‌هایی از آنها به‌طور مستند در پژوهش آورده شده‌اند، بیشتر در سطح فضای عمومی جامعه به‌چشم می‌خورند. نمودهای اسلام‌هراسی که بر وحشتناک نشان‌دادن مسلمانان تمرکز دارند، در سطح رسانه‌ها بیشتر وجود دارند و نمودهای دشمنی با اسلام به‌طور گسترده‌تر در سطح دولت، احزاب و گروه‌های اسلام‌ستیز، بیشتر دیده می‌شود. فهمیدن اینکه تمایزها و تشابه‌های مفاهیم سه‌گانه اسلام‌هراسی، اسلام‌ستیزی و دشمنی با اسلام چه هستند، بسیار به این امر کمک می‌کند که راه برخورد با مشکلات مسلمانان و همچنین عکس‌العمل به اقدام‌های ضداسلامی و ریشه‌های تضاد جامعه مقصد را به مسلمانان مهاجر، به‌درستی نشان‌داد؛ به‌طوری‌که در این مقاله، مشخص شد «اسلام‌هراسی، محکوم‌سازی کلیت اسلام و تاریخ مسلمانان به‌عنوان گروه‌های افراطی؛ وحشتناک نشان‌دادن آنها (مسلمانان) است. شرط تحقق یافتن مفهوم اسلام‌هراسی و بروز نمودهایی است که دربردارنده دو عنصر ناآگاهی و عدم خشونت باشند. اعمالی که در راستای برخوردهای مانند اجتناب - طرد، تبعیض، پیش‌داوری و تهدید مسلمانان صورت می‌گیرند»، از نمودهای اسلام‌هراسی هستند؛ این نمودها در فیلم‌هایی که ضد اسلام و شخصیت پیامبر اسلام در بریتانیا یا با همکاری این کشور ساخته شده و در متن در قالب جدول، به آنها اشاره شده‌است، وجود دارند. اسلام‌ستیزی (که اغلب به‌اشتباه با اسلام‌هراسی، یکی دانسته می‌شود) درحقیقت، شکل رادیکال اسلام‌هراسی است؛ به‌بیان کامل‌تر، تصور غلط و افراطی شکل گرفته در مرحله اسلام‌هراسی، اکنون و در مرحله شکل‌گیری اسلام‌ستیزی، خود را به‌صورت یک عمل خشن تروریستی می‌نمایاند؛ عملی خشن که در سه شکل توهین لفظی - دشنام، ارباب - برخورد فیزیکی و آسیب‌رسانی به اموال خود را نشان می‌دهد. بیشترین نمودهای اسلام‌ستیزی در انگلستان ضد مسلمانان، طبق گزارش‌های گاردین، در فضای مجازی و اینترنت است؛ این نمودها به‌طبع، به‌صورت توهین و ارباب است زیرا در فضای مجازی، امکان برخورد فیزیکی نیست؛ اما برخوردهای فیزیکی، طبق مستندهایی که در این پژوهش آمده، بیشتر در پارک‌ها و خیابان‌ها رخ می‌دهند؛ همچنین دشمنی با اسلام را نیز می‌توان از لحاظ ارادی و آگاهانه بودن تنفر و ریشه آن از اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی جدا کرد؛ یعنی، وقتی در سطح فرد یا در سطح کلان (یعنی یک دولت)، اسلام، مانعی بر سر راه رسیدن به منافع مادی و معنوی دیده می‌شود، افراد از اسلام به دلیل ضربه‌زدن به منافع خرد و کلان خود، متنفر می‌شوند. حال باید به این نکته دقت شود که این تنفر، مانند تنفر مولد اسلام‌ستیزی نیست زیرا تنفری که مولد اسلام‌ستیزی است، ناشی از هراس برآمده از تصور غلط خطرناک بودن اندیشه‌های اسلام و تروریست بودن مسلمانان است؛ درحالی‌که تنفر ناشی از

«دشمنی با اسلام» برآمده از هیچ‌گونه هراس یا ترس کاذب نیست؛ تمام اعمال یادشده در دو تعریف پیشین اگر با آگاهی و از روی غرض صورت‌گیرند، در زیرمجموعه «دشمنی با اسلام» دسته‌بندی می‌شوند؛ این عنصر آگاهی در دولت انگلستان وجود دارد و دلیل آن هم، استناد به تصویب قوانین مختلف مانند قوانین ضدتروریسم، قوانین ضد‌مهاجرت، تبعیض در استخدام و تبعیض در دادرسی است که در این پژوهش به آنها استناد شده‌است.

منابع

۱. منابع فارسی

- پورهاشمی، عباس (۱۳۸۹)؛ «بازتولید هویت جدید اروپایی»، مجله عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی؛ ش ۸۲، ص ۸ تا ۱۰.
- شیرغلامی، خلیل (۱۳۸۸)؛ «جایگاه سیاسی اجتماعی مسلمانان در اروپا»، فصلنامه سیاست خارجی؛ ش ۲(۲۳)، ص ۱۹ تا ۳۵.
- صباغیان، علی (۱۳۹۲)؛ شکست چند فرهنگ‌گرایی و مسلمانان اروپا؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- صفوی، حمزه (۱۳۹۲)؛ همگرایی فرهنگی در اتحادیه اروپا و هویت مسلمانان، بررسی موردی هویت جمعی مسلمانان مهاجر ساکن در شهرهای پاریس و بروکسل، پایان‌نامه دوره دکتری؛ دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی.
- صفوی، حمزه و سید محمد طباطبایی (۱۳۹۱)؛ «نقش هویت زنان مهاجر مسلمان در کشورهای اروپایی بر همگرایی فرهنگی»، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده؛ سال هفتم، ش ۱۹، ص ۲۵ تا ۵۵.
- صدیقی، اکبر (۱۳۸۸)؛ پیامدهای اسلام‌هراسی در اروپا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه مطالعات منطقه‌ای.
- کریمی، غلامرضا (۱۳۸۹)؛ «روند تحولات اسلام‌هراسی، پس از ۱۱ سپتامبر»، مجموعه مقالات پیرامون اسلام‌هراسی پس از ۱۱ سپتامبر: علل، روندها و راه‌حل‌ها؛ تهران: پژوهشکده فرهنگ هنر

و ارتباطات، ص ۹۹ تا ۱۲۷.

- لقمان‌نیا، مهدی (۱۳۸۰)؛ شناسایی مؤلفه‌های هویت ملی در برنامه‌های درسی براساس روش بنیاد شناختی نظریه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه بیرجند، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم تربیتی.
- مجیدی، محمدرضا و محمدمهدی صادقی (۱۳۹۳)؛ اسلام‌هراسی غربی؛ تهران: انتشارات امام صادق(ع).
- مرشدی‌زاده، علی (۱۳۸۸)؛ تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- نجاتی، سید محمود و عباس منوچهری (۱۳۸۵)؛ «درآمدی بر نظریه شهروندی گفت‌وگویی در فلسفه سیاسی هابرماس»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی؛ ش ۲۹، ص ۱ تا ۲۸.

۲. منابع انگلیسی

- Banks, James A. (2008). "Diversity, Group Identity, and Citizenship Education in a Global Age" *Educational Researcher*, Vol. 37, No. 3, pp. 129-139.
- Heywood, Andrew. (1994). "Political Ideas and Concepts. An Introduction". New York: St.Martin's Press.
- Jones, E. and Gaventa, J. (2002) "Concepts of Citizenship: A Review" (University of Sussex, Institute for Developmental Studies).
- Kane, Alex (2012)"Author Deepa Kumar on the imperial roots of anti-Muslim sentiment Mondoweiss", 2 July.
- Lamert, Robert & Gihens-Mazer, Jonathan. (2011). "Islamophobia & anti-islamism, UK case studies 2010", Exeter: university of Exeter.
- Marshall, T.H. 1950. "Citizenship and Social Class and Other Essays". Cambridge: University of Cambridge Press.
- Moghal, Haroon (2012). "What's Islamophobia and do I have it? – an answer in Eight parts, Religion Dispatches", 31 December.

- Westoff, C.F. Freka. (2007). "Religiousness and fertility among European Muslim". Population and Development Review. 33(4).
- Yurdakul, Gökçe & Korteweg, Anna C. (2013). " Gender equality and immigrant integration: Honor killing and forced marriage debates in the Netherlands, Germany, and Britain". (41) 204-214. Londen: Women's Studies International Forum.

۳. منابع اینترنتی

- <http://blogs.nottingham.ac.uk/politics/2013/03/18/the-generation-gap-in-britains-attitudes-towards-islam/>
- Bennet, W. Lance. (2008). "The generational Shift in Citizen Identity : Implication for Learning Online". from: <http://www.engagedyouth.org/uploads/2008/05/civiclearning-the-generationalshift.pdf>.
- De la Paz. Gabriel. (n.d). " CITIZENSHIP IDENTITY AND SOCIAL INEQUALITY" from: <http://www.civiced.org/pdfs/delaPazGabriel.pdf>
- Pitt, Bob. (2014 June 21). "Derisory turnout for Bolton anti-mosque protest: fascists outnumbered by counter-demonstrators" <http://www.islamophobiawatch.co.uk/gilligan-recycles-7-year-old-anti-muslim-story-as-horror-revelation/>.
- [http://www.imdb.com/title/tt1227548/-](http://www.imdb.com/title/tt1227548/)
- <http://www.amazon.co.uk/dp/B0000BWWNA>
- [http://www.imdb.com/title/tt0478266/-](http://www.imdb.com/title/tt0478266/)
- <http://news.bbc.co.uk/1/hi/programmes/3663771.stm>
- www.bbc.co.uk/bbcfour/documentaries/features/islamic-history-europe.shtml
- <http://www.amazon.com/dp/B00005T30X>
- <http://www.amazon.co.uk/dp/B00078XGP6>

- <http://www.historychannelasia.com/synopsis.aspx?libId=47&sId=85&sTime=1140>
- <http://web.archive.org/web/20080730234527/http://upf.tv/upf06/Films/MuhammadLegacyofaProphet/tabid/75/Default.aspx> - 16-
- <http://movies.nytimes.com/movie/33045/Mohammad-Messenger-of-God/overview>
- “The generation gap in Britain’s attitudes towards Islam” Posted in British Politics, Islamophobia March 18, 2013. from: <http://blogs.nottingham.ac.uk/politics/2013/03/18/the-generation-gap-in-britains-attitudes-towards-islam>
- <http://blogs.nottingham.ac.uk/>(March 18, 2013)
- <http://blogs.nottingham.ac.uk> .March 18, 2013

The Signs of Islamophobia in England

Sabbaghian, A.^{1*}
Khaksar, A.M.²

Received on: 01/20/2016
Accepted on: 07/13/2016

Abstract

During last two decays in many European countries, some legal and political discrimination is observed towards citizens. This dichotomy and discrimination is toward Muslim population due to 11th September and explosions in European cities. Differentiation between Muslim and non-Muslim citizens in European countries such as England has led to Islamophobia. This paper tries to find an answer to this question: Which factors have create Islamophobia in England and what are its signs? Findings show that identity factors play a key role in creation of dichotomy, discrimination, and Islamophobia. Citizenship identity theory was used in this study. This theory examines and explains citizens' right and responsibilities towards each other and government. While each citizen has duties, also has some rights which should be regarded by others and government. Is these rights are not considered, citizenship identity is damaged. In this survey, there is distinction between different types of Islamophobia. Signs of Islamophobia in England are categorized into three levels: 1- public space of society in form of verbal and physical violence 2- media level in form of negative imagery, and 3- government level in form of discrimination in citizenship rights. This is descriptive-analytical survey using documentary approach.

Keywords: Islamophobia, Anti-Islamism, England, Extremism, Media.

1* . Assistant professor, Middle East Studies, Faculty of Political Science, University of Tehran.

(Corresponding Author:sabbaghian@ut.ac.ir)

2 . Graduated in Europe Studies, University of Tehran.